

نقاش و پژوهشگر هنر: **موزه‌های جهان**

دیگر از هنرمندان ایرانی کار نمی‌خزند



نقاش و پژوهشگر و خوشنویس پیشروایرانی معتقد است:نقاشانی در ایران بالاترین رقم‌ها برای تابلوهای‌شان رد و بدل می‌شود اما یک نمونه از کارهایش در هیچ موزه‌ای

در دنیا نیست. همین می‌شود که موزه‌های دنیا دیگر از هنرمندان ایرانی کار نمی‌خرند. همین می‌شود که ناچار می‌شویم اشاره کنیم به‌عنوان مثال بازار هنر دنیا هم اکنون متمرکز بر جنبش‌های هنری عراق است. چون ماوز معیارهای جهانی عدول کردیم. چون ماسمیر اشتباه را فتنیم. حجت امانی، در گفت‌وگوی تفصیلی باخبر آنلاین، ادامه می‌دهد:لالان آثار هنری، سرمایه‌ارانی ناگاهو خانه‌های حراج موجب شدند معیارهایی داخلی به وجود بیاید که فقط در داخل ایران خریدار دارد. ضمن این که در نظر داشته باشید اگر به همین شکل ادامه دهیم حتماً آن مخاطبان اندک‌مان را هم از دست خواهیم داد، به گونه‌ای که همین حالا هم مخاطبان هنری ایران در خارج از کشور، خودایرانی‌ها هستند. این هنرمند پیشرو ضمن تقدیم وضعیت بازار هنر ایران و از دست رفتن جایگاه خاورمیانه‌اش، هشدار می‌دهد که تمرکز بیش از حد بر سود و تبلیغات، موجب فاصله گرفتن آثار هنری از معیارهای جهانی شده‌است.

■ ■ ■

اعتراض سینمداران به تعطیلی سینماها تصمیمی که کمدمی بود!



سینمداران تصمیم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تعطیلی سینماها برای آلودگی هوا را نادرست و آسیب‌زننده به اقتصاد سینما می‌دانند. مدیر سینما مگمال در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا اظهار کرد طی ۱۶- ۱۷ ساله که مدیریت سالن‌های سینما فعالیت می‌کنم اولین بار بود که مراکز فرهنگی مثل سالن‌ها سینما و تماشاخانه‌ها به دلیل آلودگی هوا تعطیل می‌شدند که من این اتفاق را یک کمدمی خنده‌دار دیدم. محمد قنبری، تصریح کرد: متأسفانه این تصمیم بدون توجه به نظر سینمداران و بدون حضور نماینده‌ای از سینمداران در این تصمیم‌گیری اتخاذ شد که چون از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام شده بود ما دوروز سینما را تعطیل کردیم که ضرر مالی بالایی برای صاحبان سینماها، تهیه‌کنندگان و صاحبان آثار به همراه داشت. وی افزود: این تعطیلی در حالی بود که کافه‌ها و رستوران‌ها به فعالیت خود ادامه دادند و من فکر می‌کنم یکی از بهترین مکان‌ها که مردم می‌توانستند به جای قدم‌زدن در محیط آلوده شهر به آن بروند سالن‌ها سینما بود و حداقل در این وضعیت با یک فیلم سینمایی سرگرم می‌شدند. مدیر سینما مگمال تأکید کرد: ما به این تصمیم‌گیری اعتراض داریم زیرا نشان از بی‌برنامگی در تصمیم‌گیری‌ها دارد و نمی‌شود با ادامه‌دار بودن آلودگی هوا مردم را برای تعطیل شدن سینماها تصمیم‌بگیرند.

■ ■ ■

یاسر جبر ایتیلی با «سیرک» نامیدن صداوسیما: مثل کماندو به سراغ میوه فروش می‌روید، اما به نفع الیگارش‌های ارزی تبلیغ می‌کنید!



رئیس سابق مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، صداوسیما را سیرک نامید. یاسر جبر ایتیلی، نوشت: «طبق معمول، خبرنگاران صداوسیما مثل کماندو به یک میوه‌فروشی پورش برده‌اند. صورت فروشنده جانتیکار شطرنجی شده‌است. جرم: فروش بر تقال ۱۱۸ هزار تومانی به قیمت ۱۲۸ هزار تومان. همین صداوسیما! افزایش نرخ ارز از ۴۰ به ۱۰۰ هزار در کمتر از یکسال را- که صد‌ها هزار میلیارد از جیب ملت ربوده به توبه الیگارش‌ی ریخته- به عنوان یک راهکار کاملاً عملی برای مبارزه با رانت و فساد تبلیغ کرده‌است. سیرک کجاست...»

■ ■ ■

«خو» در جشنواره بین المللی فیلم باکو
فیلم کوتاه «خو» به نویسندگی و کارگردانی محمد رضا نورمندی پور، به بخش مسابقه استعدادهای آسیایی جشنواره فیلم باکو راه یافت. به گزارش مشاور رسانه‌ای پروژه، فیلم کوتاه «خو» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا نورمندی پور و تهیه‌کنندگی محمدرضا نورمندی پور و ویلیا ختانی، در ادامه حضور بین‌المللی به بخش مسابقه استعدادهای آسیایی شانزدهمین دوره جشنواره باکو در کشور آذربایجان، راه یافت. در خلاصه‌داستان فیلم کوتاه «خو» آمده‌است: «پدری بعد از فوت مادر خانواده قصد دارد پسرش را به شیوه خود تربیت کند.»

■ ■ ■

خانه کاریکاتور دوباره احیاشد

نشست شورای اجرایی دوازدهمین دوسالانه بین‌المللی کاریکاتور تهران با حضور مدیرکل هنرهای تجسمی، اعضای شورای اجرایی، هنرمندان برجسته

این حوزه و جمعی از مدیران فرهنگی، دهم‌آذرماه در خانه کاریکاتور برگزار شد. به گزارش ایلنا، این نشست باهدف انتخاب داوران، بررسی روند اجرای دوسالانه، برنامه‌ریزی برای حضور مهمانان خارجی و همچنین رونمایی از پوستر این رویداد، حال و هوایی متفاوت و پرنشاط داشت و از همه‌افزایی جدی نهادهای فرهنگی و هنرمندان برای احیای دوباره جایگاه بین‌المللی کاریکاتور ایران خبر می‌داد.

■ ■ ■

فاصله از دواج و اولین فرزندآوری در ایران چقدر است؟ کاهش ۸ درصدی ازدواج در کشور

دبیر ستاد ملی جمعیت، گفت: در سه‌ماه اول ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳ حدود ۸ درصد کاهش ازدواج وجود داشته است. لذا مسأله فرزندآوری ناشی از روند این حوزه و جمعی از مدیران فرهنگی، دهم‌آذرماه در خانه کاریکاتور برگزار شد. به گزارش ایلنا، این نشست باهدف انتخاب داوران، بررسی روند اجرای دوسالانه، برنامه‌ریزی برای حضور مهمانان خارجی و همچنین رونمایی از پوستر این رویداد، حال و هوایی متفاوت و پرنشاط داشت و از همه‌افزایی جدی نهادهای فرهنگی و هنرمندان برای احیای دوباره جایگاه بین‌المللی کاریکاتور ایران خبر می‌داد.

■ ■ ■

کاهش‌ی ازدواج است. مرزیه وحید دستجردی، میانگین فاصله بین ازدواج و اولین فرزندآوری در کشور ۴۵ سال است. به عبارتی، اگر زنی در سن ۳۰ سالگی ازدواج کند، فرزند او ۷۵ سال و در سن ۳۴ سالگی به دنیا می‌آید.

درباره نمایش «مرد مرده»، حسین میرزایی

فارغ از هیاهوی جهان با منطق بی تفاوتی



محمد حسن خدایی

خودآیین خویش را با فرمی بدیع می‌سازند همچون راجه‌ای امیدبخش است که تماشا کردن‌شان، پیگیری اجراها را معنادار می‌کند. باید قبول کرد که نسل تازه‌تئاتر که بنابر دلایل مختلف ارتباط چندانی با میراث گذشته هنرهای نمایشی این مملکت ندارد، در این آزمون و خطاهای مدام اجرایی، گاهی به خلق آثاری مبادرت می‌ورزد که در نگاه اول، شاید فاقد کیفیت لازم باشد اما با گذشت زمان و فاصله‌گیری و تأمل دوباره در رابطه فرم اجرا، می‌توان این قبیل اجراهای آوانگارد را با منطق خودشان از نو تفسیر کرد و ناپهناگمی‌شان را در این زمانه‌ای که همه چیز و همه کس چارچوب‌پذیر شده‌ست.
ود این اجراها داعیه بیان گفتارهای عمیق فلسفی را نداشته و بیش از پیش به بی‌معنایی مناسبات جهان تأکید دارند. به واسطه تماشای این اجراها است که می‌توان از عقلانیت ابزاری جهان فاصله گرفت و بی منطق‌ری و روابط انسانی این روزهای جهان را تمسخر کرد.

نمایش «مرد مرده» حسین میرزایی رامی‌توان از این دسته اجراها فرض گرفت و آماتور یسم دانشجوی‌اش را ستایش کرد. اجرایی که به‌واقع تلاش ندارد معنایی را منتقل کند تا مخاطب راضی از سالی بیرون رود و به راحتی خلاصه‌داستان نمایش را در یک جمله به دیگران تعریف کند. نوعی خونسردی و بی تفاوتی در فرم و محتوای نمایش «مرد مرده» مشاهده می‌شود که علیه منطق علت و معلولی زندگی روزمره عمل کرده و استهزا کننده واقعیت اجتماعی است. هر چهار بازیگر جوان اجرا در ظاهر

امر، با منطقی‌ترین شکل ممکن در حال

نقش‌آفرینی وضعیتی

جفنگ و

بی‌معنا هستند. ورودها و خروج‌ها، مکالمات و حتی زبست‌ها همچون کلّای تصادفی کنار هم قطار شده تا روایتی ساخته شود از بی‌سروتهی کنش‌ها و فضاها. این اجرا با تلفیق قسمت‌هایی از چند نمایشنامه معروف جهان، به مانند یک سارق عمل می‌کند و بسیار گشاده‌دستانه و دلبخواهی، قسمتی را از هر کدام انتخاب کرده و با هنر سرسرهم‌بندی، تناقضات و تضادهای خویش را به حداکثر رسانده و عناصر جدیدش را به حال نفی عناصر قدیم است. نمایشنامه‌هایی چون «خرده‌جایت‌های ناشویی» از یک مانوئل اشمیت، «تن و دیگر» تکه‌پاره‌های عشق» اولین دو لاشنلی‌یر، «مرد بالشی» مارتین مک‌دونا، «خانه بر نارد الیا» فدریکو گارسیا لورکا و «مرگ در می‌زند» وودی آلن در این انقطاع‌گرایی پسامدرنیستی به کار آمده‌اند تا ناما بشنایم‌ای تحت عنوان «مرد مرده» متولد شود که به‌ملغمه‌ای است ساختارگریز از هر پنج نمایشنامه. نتیجه این شکل از کنار هم قرار دادن متونی که چندان به یکدیگر ارتباط ندارند، محصولی است فاقد انسجام که به‌مانند بعضی ساختمان‌های معروف معماران مهم دنیا، نسبت به محیطی که در آن سربر آورده، «بی تفاوتی» را پیشه کرده و نسبت به محیط پیرامونی اهمیت قائل نیست. اجرایی چون «مرد مرده» تا حدودی از این مکانیسم بی تفاوتی استفاده کرده و ساز خود را چنان می‌نوازد بی آن‌که درک و دریافت مخاطب اهمیت چندانی داشته‌باشد.

تکه‌اول نمایش، کنار هم زیستن یک زوج جوان است که روزمرگی را تا نهایت منطقی‌اش، به شکل ابزد برای یکدیگر به اجرا در می‌آورند. کارهایی همچون خوابیدن، بیدار شدن، غذا خوردن، لباس پوشیدن‌های مکرر همچون مناسکی آیینی به جا آورده می‌شود بی آن‌که گفتگوی موثر مابین‌شان برقرار شود. بازیگرانی چون نازیلا سلطانی و امیر حسین صارمی، این صحنه به نسبت طولانی را بر عهده دارند و یک فضای جفنگ ایرانی را به نمایش می‌گذارند. سپس نوبت ورود شادان کوچکی است که با رفتار ش موجب شود شخصیت مرد نمایش همچون فردی مرده کنار زده شده و روابط پر چالش این دو زن نمایان گردد. در انتها فرید تکلوبا قامت بلندی که دارد وارد صحنه شده و بی‌منطقی

است که روزمرگی را تا نهایت منطقی‌اش، به شکل

ابزد برای یکدیگر به اجرا در می‌آورند. کارهایی

همچون خوابیدن، بیدار شدن، غذا خوردن، لباس

پوشیدن‌های مکرر همچون مناسکی آیینی به جا

آورده می‌شود بی آن‌که گفتگوی موثر مابین‌شان

برقرار شود. بازیگرانی چون نازیلا سلطانی و

امیر حسین صارمی، این صحنه به نسبت طولانی

را بر عهده دارند و یک فضای جفنگ ایرانی را به

نمایش می‌گذارند. سپس نوبت ورود شادان

کوچکی است که با رفتار ش موجب

شود شخصیت مرد نمایش همچون

فردی مرده کنار زده شده و روابط

پر چالش این دو زن نمایان

گردد. در انتها فرید تکلوبا

قامت بلندی که دارد

وارد صحنه شده

و بی‌منطقی

بررسی ماه پرهیجان نمایش خانگی در سه پلتفرم تلگرام، یوتوب و گوگل:

کدام سریال‌ها حرف اول را زدند؟

کاربران رابهرت نشان می‌دهد و در این شاخص نیز بامداد خمار به‌وضوح پیشتاز و بر تاکثرترین سریال است.



تلگرام

سریال بامداد خمار با ۱۴۰۹۶ پست و بیش از ۲۳ میلیون بازدید در تلگرام، بدون شک پر حضور ترین و پر مخاطب‌ترین سریال میان چهار مورد بررسی است. حجم بالای محتوا نشان می‌دهد که کاربران و کانال‌ها بیشترین توجه و پوشش خبری را به این سریال اختصاص داده‌اند، هر چند نسبت بازدید به محتوا کمی پایین‌تر از برخی سریال‌های دیگر است. زیرا تعداد پست‌ها بسیار زیاد است و بازدید در میان آن‌ها به‌طور متوسط تقسیم شده‌است. پس از آن، سریال پر تابا ۶/۵۹۶ پست و ۱۲ میلیون بازدید جایگاه دوم را دار د. یاد رفته و محکوم بازدید و محتوای کمتر در تهیه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

بالین حال، اگر میانگین بازدید به‌ازای هر پست را بررسی کنیم، محکوم با وجود کمترین تعداد محتوا و بازدید کل، بیشترین اثر گذاری را دارد و هر پست آن به‌طور متوسط ۱،۸۸۳ بازدید داشته است. این نشان می‌دهد که هر چند تولید محتوا و پوشش گسترده اهمیت دارد، میزان جذابیت و اثر گذاری هر پست نیز فاکتور مهمی در سنجش محبوبیت سریال‌هاست و می‌تواند به شناخت سریال‌هایی که مخاطب خاص و متعهد دارند کمک کند.

معیار	صدر نشین	توضیح
بیشترین تولید محتوا	بامداد خمار	تعداد محتوا در تلگرام
بیشترین دیده شدن	بامداد خمار	کل بازدید تلگرام
پست‌های کمتر اما اثر گذار تر	محکوم	بازدید به‌ازای هر پست
متوسط	پر تابا، بازدید یافته	جایگاه میانی در محتوا و بازدید

مقایسه ۴ سریال در سه پسترا اجتماعی

بر اساس تحلیل داده‌ها در سه پسترا اجتماعی گوگل، یوتیوب و تلگرام، سریال بامداد خمار به وضوح صدر نشین است و توانسته در تمام شاخص‌های بیشتر توجه و حضور مخاطبان را جذب کند. در گوگل، این سریال با اختلاف زیاد پر جست‌وجو ترین بوده و قابل توجهی در اواخر آبان داشته که معمولاً ناشی از پخش قسمت مهم، حاشیه خبری یا وایرال شدن بخش‌هایی از سریال است. در یوتیوب نیز بامداد خمار پر جست‌وجو ترین و پربازدید ترین سریال ماه بوده و کاربران فعالانه به تماشای کلیپ‌ها و واکنش‌های مرتبط با آن پرداخته‌اند. در تلگرام هم با ۱۴۰۹۶ پست و بیش از ۲۳ میلیون بازدید، پر حضور ترین سریال میان چهار مورد است و پوشش گسترده کانال‌ها و کاربران نشان دهنده توجه بالای عمومی است.

سریال‌های دیگر وضعیت متفاوتی دارند: پر تابا در تلگرام جایگاه دوم را دار د اما در یوتیوب و یوتیوب تقریباً کمترین توجه را دارد و نشان می‌دهد که دیده شدن آن بیشتر محدود به تولید محتوا در کانال‌هاست، نه جست‌وجو یا مصرف فعال کاربران. از یاد رفته در گوگل پیک کوتاه‌مدت داشته اما نتوانسته توجه پایدار جذب کند، در حالی که در یوتیوب مصرف محتوای ویدئویی آن پایدار تر است. محکوم با وجود محتوای بازدید کم‌تر در تلگرام، بیشترین اثر گذاری را در پست‌ها دارد و در یوتیوب نسبتاً حضور قابل توجهی دارد، یعنی بیشتر در «مصرف محتوا» موفق بوده تا جست‌وجوی عمومی. در مجموع، بامداد خمار در تمام پست‌ها برنده قاطع



مرد مرده، حسین میرزایی

رخ می‌کشد. اجرا میل دارد نسبت به نظم نمادین جاری و ساری اجتماع این روزهای تفاوتی پیشه کند و توضیحی در سبب ساز و کار درونی متن و مناسبات شخصیت‌ها را ارائه ندهد. با تمامی نکات مثبت این رویکرد فلسفی به جهان اما نکته اینجا است که این شکل از آوانگاردیسم که با آماتور یسم همراه شده، می‌تواند برای یک گروه جوان تئاتری که تجربه چندانی ندارد آسیب‌هایی را هم به همراه آورد. بنابراین بهتر است در کنار پرداختن به فضاهایی نامتعارف و تجربه‌نشدنی به این نکته مهم توجه شود که مسیر پیش‌رو بهتر است بی‌وقفه نقد شود و مخاطرات این شیوه اجرایی و این شکل از مواجهه با واقعیت هر روزه اجتماعی، در قیاس با آثار مطرح جهانی مورد کنکاش قرار گیرد. نکته‌ای که در بعضی صحنه‌های مردم‌رده مشهود است و به‌نظر می‌آید بیش از آن که قدمی روبه جلو باشد پر تاب‌شدن به پشت‌سری است که بوی سهل‌انگاری و محافظه‌کاری می‌دهد.

آثار ششستی رویدادها را شتاب بیشتری می‌بخشد. در نگاه اول شاید این گونه به نظر آید که این حوادث که به تناوب بر صحنه اجرا می‌شود شاید معنایی ضمنی داشته باشد که باید با تأمل عمیق حدس زد و به فهم ماجرا رسید اما واقعیت قضیه این است که حقیقتی وجود ندارد و می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست اجرا، بر مدار گریز از هر نوع ربط منطقی رویدادها بنا شده و نفی مداوم قرار دادهایی که با مخاطب پیش از این گذاشته‌است، لذت‌از این اجرا تن سیردن به همین منطق بی‌معنایی و بی تفاوتی است. نوعی فارغ بودن از واقعیت تلخ اجتماع و بر ساختن جهانی یکسره پوچ و مهمل و نشاط‌آور.

در نهایت می‌توان گفت راهی که حسین میرزایی و گروه اجرایی‌اش اتخاذ کرده‌اند توانسته فضایی متفاوت ایجاد کند که علیه هر نوع تفسیری پذیر ی مقاومت می‌کند و بی‌سروسامانی خود و جهان را به